



# آن چه که باید از رقابت نظامی بزرگ بین آمریکا و چین بدانیم

مرکز مطالعات سورین

اردیبهشت ۱۴۰۱







**آن چه که باید از رقابت  
نظامی بزرگ بین آمریکا و  
چین بدانیم**





## آنچه که باید از رقابت نظامی بزرگ بین آمریکا و چین بدانیم

با آن که بودجه دفاعی آمریکا در مقایسه با سایر کشورها فاصله چشمگیری دارد و هم‌اکنون در سال ۲۰۲۲ رقم ۷۶۸ میلیارد دلار است، اما با خیزش و جهش چشمگیر چین که بودجه دفاعی خود را تا یک چهارم بودجه دفاعی آمریکا رسانده و در حال نزدیک شدن به سمت یک سوم است، نگرانی واشنگتن به‌طور چشمگیر افزایش یافته است. در این میان، بسیاری از ناظران و تحلیلگران معتقدند که حتی با وجود این تفاوت، در صورت وقوع جنگ بین دو کشور - به‌ویژه در موضوع تایوان - احتمال شکست آمریکا زیاد است. مرکز مطالعات سورین، در مطلب حاضر به بررسی جزئیات رقابت نظامی بین آمریکا و چین می‌پردازد.





بیست و پنج سال پیش، چین آن چه را که «آزمایش‌های موشکی» می‌نامید انجام داد تا جزیره تایوان را از حرکت به سمت استقلال باز دارد و نشان داد که می‌تواند خطوط حیات اقیانوسی تایوان را قطع کند. در پاسخ، آمریکا در یک نمایش قدرت که چین را وادار به عقب‌نشینی کرد، دو ناو هواپیمابر را در آب‌های مجاور تایوان مستقر کرد. اگر چین امروز همان آزمایش‌های موشکی خود را تکرار می‌کرد، بسیار بعید بود که آمریکا مانند سال ۱۹۹۶ پاسخ دهد. به این دلیل که امروز اگر ناوهای آمریکایی تا این حد به سرزمین اصلی چین نزدیک شوند، توسط موشک‌های دی‌اف-۲۱ و دی‌اف-۲۶ مورد حمله قرار خواهند گرفت.

سه واقعیت در مورد رقابت نظامی چین و آمریکا در این قرن وجود دارد: اول، دوران برتری نظامی آمریکا به پایان رسیده است؛ مگر در ذهن برخی از رهبران و تحلیلگران سیاسی که واقعیت‌های سخت را بررسی نکرده‌اند. همان‌طور که ژنرال «جیمز متیس» -وزیر دفاع دولت ترامپ- در «استراتژی دفاع ملی» خود در سال ۲۰۱۸ به‌صراحت بیان کرد: «برای چندین دهه، آمریکا از برتری بلامنازع یا غالب در هر حوزه عملیاتی برخوردار بوده است. ما عموماً می‌توانستیم نیروهای خود را هر زمانی که می‌خواستیم مستقر کنیم، آنها را در جایی که می‌خواستیم جمع‌آوری کنیم و هر طور که می‌خواستیم عمل کنیم. اما آن دوران تمام شده است.»

متیس در آن سند هشدار داد: «امروزه هر حوزه‌ای مورد مناقشه قرار گرفته است -هوا، زمین، دریا، فضا و فضای مجازی». در نتیجه، در دو دهه گذشته، آمریکا مجبور شده از استراتژی مبتنی بر برتری و غلبه به سمت بازدارندگی عقب‌نشینی کند. همان‌طور که «جیک سالیوان» -مشاور امنیت ملی بایدن- و «کرت کمپبل» -همکار کنونی او در شورای امنیت ملی (NSC)- در سال ۲۰۱۹ اذعان کردند، آمریکا باید بپذیرد که با توجه به دسترسی تسلیحاتی چین، احیای اولویت نظامی دشوار خواهد بود و در عوض از مداخله چین از طریق آزادی عمل‌اش و اجبار فیزیکی علیه متحدان و شرکای آمریکا جلوگیری کند. یکی از معماران استراتژی دفاع ملی ۲۰۱۸ دولت ترامپ نیز، مسئله را کمتر دیپلماتیک و مختصرتر بیان می‌کند: «دوران برتری نظامی بی‌پایان آمریکا به پایان رسیده است.»

دوم، در حالی که موقعیت آمریکا به‌عنوان یک ابرقدرت نظامی جهانی منحصربه‌فرد باقی می‌ماند (با قابلیت‌های پیش‌بینی قدرت که هیچ‌کس نمی‌تواند با آن برابری کند و بیش از ۵۰ متحد وابسته به ترتیبات دفاعی جمعی و شبکه‌ای از پایگاه‌ها در تقریباً هر قاره‌ای)،





هم چین و هم روسیه اکنون از نظر نظامی جدی و حتی در برخی حوزه‌ها تبدیل به رقیب شده‌اند. زرادخانه هسته‌ای روسیه مدت‌هاست که هم‌قد و هم‌وزن زرادخانه‌های هسته‌ای آمریکا شناخته می‌شوند؛ و در حالی که زرادخانه هسته‌ای چین بسیار کوچک‌تر است، با این وجود پکن ناوگانی از نیروهای هسته‌ای قابل دوام را برای اطمینان از «نابودی حتمی طرفین» (MAD) مستقر کرده است. وزارت دفاع آمریکا، چین و روسیه را به‌عنوان «قدرت‌های بزرگ رقیب» معرفی می‌کند و معتقد است اکنون این قدرت را دارند که سلطه آمریکا در امتداد مرزها و دریا‌های مجاورش را به‌چالش بکشند.

سوم، اگر در آینده نزدیک یک «جنگ محدود» بر سر تایوان یا در امتداد حاشیه چین رخ دهد، آمریکا احتمالاً بازنده خواهد بود - یا این که باید بین باخت و تشدید اوضاع به‌سمت یک جنگ گسترده‌تر، یکی را انتخاب کند. «کاتلین هیکس» - معاون وزیر دفاع و عضو کمیسیون استراتژی دفاع ملی آمریکا - سناریویی واضح در مورد جنگ تایوان ارائه کرده که در آن آمریکا شکست می‌خورد. اگر حمله نظامی به‌قصد کنترل تایوان صورت بگیرد، احتمالاً چین قبل از این که ارتش آمریکا بتواند تجهیزات کافی را به تایوان منتقل کند، به پیروزی خواهد رسید.

اگر آمریکا با اتکا بر نیروهایی که اکنون در منطقه هستند یا نیروهایی که می‌توانند در طول حمله چین وارد تایوان شوند، به‌سمت دفاع از تایوان برود، چینی‌ها نخواهند توانست که تاثیر مادی بر نتیجه داشته باشند. دریاسالار «جیمز وینفلد» - معاون سابق رئیس ستاد مشترک - و «مایکل مورل» - سرپرست سابق سیا - سال گذشته نوشتند: «چین این توانایی را دارد که قبل از این که واشنگتن بتواند در مورد چگونگی واکنش تصمیم بگیرد، اقدام قطعی خود در مورد تایوان را به‌انجام برساند. آن‌جاست که آمریکا باید برای پیروزی دست و پا بزند و در غیر این صورت قطعاً شکست خواهد خورد».

با توجه به محرمانه بودن برخی از جنبه‌های این موضوع، هیاهوی سیاستمدارانی که به دنبال متقاعد کردن کنگره برای تأمین بودجه نظامی بیشتر هستند و مطبوعاتی که تمایل دارند تهدید چین را تبلیغ کنند، ارزیابی واقعیت‌ها اغلب دشوار است.

آیا به‌رسمیت شناختن واقعیت‌های نظامی زشت در این دنیای جدید را باید نشانه هشدار بدانیم؟ پاسخ مثبت است. اما فاصله بین شناخت واقع‌بینانه حقایق از یک سو و تبلیغات هشداردهنده از سوی دیگر، یک خط باریک است. علاوه بر این، در شرایط فعلی، با توجه به تاثیر پویایی‌های سیاسی آمریکا در دشمنی روزافزون نسبت به چین، برخی از کارشناسان

این استدلال را دارند که صحبت علنی در مورد چنین حقایق ناخوشایندی می‌تواند به افشای اسرار بینجامد یا حتی دشمن را تشویق به اقدام کند. اما حقیقت این است که رهبران چین به همان اندازه رهبران آمریکا از این حقایق وحشتناک باخبر هستند. غالب کارشناسان اندیشکده‌ای معتقدند که اعضای کنگره آمریکا، رهبران سیاسی و رهبران فکری این کشور، با سرعت تغییرات همراه نشده‌اند و همچنان ادعاهایی را تکرار می‌کنند که مناسب دوره برتری آمریکا بود، اما این ادعاها امروز به‌طور خطرناکی غیر واقعی است. همانطور که تعدادی از افسران ارشد نظامی بازنشسته گفته‌اند: «ناآگاهی از واقعیت‌های نظامی، منبع شور و شوق بسیاری از غیرنظامیان برای اعزام نیروهای آمریکایی به جنگ‌های بدون نتیجه و برد در سال‌های اخیر بوده است».

## ظهور یک همتا

نمایش برتری نظامی قاطعانه آمریکا در سال ۱۹۹۶، برای چین چاره‌ای جز عقب‌نشینی در حیاط خلوتش باقی نگذاشت. اما خاطره این تحقیر بزرگ، عزم رهبران چین را برای تقویت قدرت نظامی پکن تقویت کرد تا اطمینان حاصل شود که این اتفاق هرگز تکرار نخواهد شد.

در سال‌های پس از آن، همان‌طور که گزارش سالانه وزارت دفاع در مورد چین در سال ۲۰۲۰ گفته شده، جمهوری خلق چین «منابع، فناوری و اراده سیاسی را برای تقویت و مدرن‌سازی ارتش آزادی‌بخش خلق (PLA) تقریباً از هر نظر به‌کار گرفته است». در واقع، تعادل کلی قدرت نظامی متعارف در امتداد مرزهای چین، به‌طور چشمگیری به‌نفع چین تغییر کرده است.

این تغییر در موازنه قدرت، به‌دنبال اصلاحات صورت‌گرفته در ارتش چین پدید آمد که در عمق و مقیاس، بی‌سابقه است. در نوامبر ۲۰۱۵، شی جین‌پینگ گسترده‌ترین تجدید ساختار در ارتش چین در یک نسل را انجام داد تا چین ارتشی داشته باشد که به گفته او «قادر به جنگیدن و پیروزی در جنگ‌ها باشد». زیر نظر یک کمیسیون نظامی مرکزی به ریاست شی، ارتش چین پنج فرماندهی جهه مشترک ایجاد کرد و نیروی پشتیبانی لجستیک مشترک و نیروی پشتیبانی استراتژیک را مسئول ماموریت‌های دارای فناوری بالا دانست. شی در سخنرانی‌اش در نوزدهمین کنگره حزب کمونیست چین در سال ۲۰۱۷، اهداف PLA برای تبدیل شدن به یک نیروی کاملاً «مکانیزه» تا سال ۲۰۲۰، یک نیروی





کاملاً «مدرنیزه» تا سال ۲۰۳۵ و یک نیروی «در کلاس جهانی» تا سال ۲۰۴۹ اعلام کرد. این اصلاحات برای تقویت وفاداری PLA به حزب کمونیست چین و به‌طور خاص به شی به‌عنوان رئیس آن و همسو کردن قدرت نظامی چین با جاه‌طلبی‌های ملی‌اش طراحی شده است. شی معتقد است که دستیابی به «احیای بزرگ ملت چین» نیازمند «اتحاد بین یک کشور مرفه و ارتش قوی» است. «رویای ارتش قدرتمند» و مأموریت آن در مسیر کسب توانایی «جنگ و پیروزی»، برای «رویای چینی» یک امر حیاتی و اساسی است.

یک ارتش مدرن، پکن را قادر می‌سازد تا از مداخلات شخص ثالث جلوگیری کند، مأموریت‌های منطقه‌ای را انجام دهد و از منافع فرمانطقه‌ای چین محافظت کند. بازدارندگی و عدم توفیق تهدیدها علیه حاکمیت چین، بالاترین اولویت نیروهای مسلح این کشور است. همانطور که شی در نوزدهمین کنگره حزب اعلام کرد که «ما هرگز به هیچ‌کس، هیچ سازمان یا حزب سیاسی، در هر زمان و به هر شکلی اجازه نمی‌دهیم که بخشی از خاک چین را از سرزمین اصلی چین جدا کند». در واقع، چین همه کارهایی را که به این کشور اجازه جلوگیری از شکست در جنگ احتمالی تایوان را بدهد صورت داده است. چین آماده جنگ است - حتی اگر تشخیص دهد که جنگ با آمریکا خطر وقوع جنگ هسته‌ای را به‌دنبال دارد.

به‌عنوان یادآوری تمایل چین به جنگ در جهت آن‌چه که به‌عنوان منافع اصلی خود می‌بیند، آمریکایی‌ها هرگز نباید آن‌چه در طی جنگ کره اتفاق افتاد را فراموش کنند. با نزدیک شدن نیروهای آمریکایی به مرز چین، به‌رغم این واقعیت که چین فقط یک ارتش دهقانی-رعیتی داشت که بسیاری از آن‌ها حتی کفش هم نداشتند، با این وجود به تنها ابرقدرت جهان حمله کرد. بعد از حمله کره شمالی به کره جنوبی و اقدام آمریکا برای نجات این کشور، نیروهای آمریکایی به‌سرعت در شبه جزیره به‌سمت رودخانه «پالو» - که مرز بین کره شمالی و چین را مشخص می‌کند - حرکت کردند. آن‌ها هشدارهایی مبنی بر این‌که چین ممکن است از طرف شمال مداخله کند را نادیده گرفتند. این احتمال که یک کشور فقیر همچنان کنترل قلمروی خود را پس از یک جنگ داخلی طولانی تثبیت کند و به قدرتمندترین ارتش جهان حمله کند، آن‌هم ارتشی که فقط پنج سال قبل برای پایان دادن به جنگ جهانی دوم بمب اتمی را بر روی هیروشیما و ناگاساکی انداخته بود، غیر قابل تصور به نظر می‌رسید. اما «مائو» این کار را کرد. در اواخر اکتبر ۱۹۵۰، ژنرال «مک آرتور» از خواب بیدار شد و یک گروه پیش‌قراول متشکل از ۳۰۰ هزار سرباز چینی



را دید که نیروهای آمریکایی و متحدان‌شان را آماج حملات قرار دادند. در هفته‌های بعد، نیروهای مائو نه تنها پیشروی متفقین را متوقف کردند، که نیروهای سازمان ملل را تا مدار ۳۸ درجه شمالی به عقب راندند.

## گزارش اندیشکده بلفر

اندیشکده بلفر در گزارش دسامبر ۲۰۲۱ خود به بررسی و تحلیل نتایج جنگ بین آمریکا و چین در تایوان پرداخت که جزئیات آن را در زیر خواهید دید: در پانصد سال اخیر، ۱۲ مورد از ۱۶ موردی که یک قدرت نوظهور تلاش کرده تا جای قدرت حاکم را بگیرد، منجر به وقوع جنگ شده است.

	Period		Ruling Power	Rising Power		Result
1	First half of 16th century		France	Hapsburgs		War
2	16th–17th centuries		Hapsburgs	Ottoman Empire		War
3	17th century		Hapsburgs	Sweden		War
4	17th century		Dutch Republic	England		War
5	Late 17th–early 18th centuries		France	Great Britain		War
6	Late 18th–early 19th centuries		United Kingdom	France		War
7	Mid-19th century		United Kingdom, France	Russia		War
8	19th century		France	Germany		War
9	Late 19th–early 20th centuries		Russia, China	Japan		War
10	Early 20th century		United Kingdom	United States		No war
11	Early 20th century		Russia, U.K., France	Germany		War
12	Mid-20th century		Soviet Union, U.K., France	Germany		War
13	Mid-20th century		United States	Japan		War
14	1970s–1980s		Soviet Union	Japan		No war
15	1940s–1980s		United States	Soviet Union		No war
16	1990s–present		United Kingdom, France	Germany		No war





مرز جغرافیایی جنون چین، تایوان است. شی جینگ پینگ رئیس جمهور چین گفته است: «هرگز اجازه نخواهیم داد که کسی، سازمانی، یا حزب سیاسی، در هر زمان یا به هر شکلی، بخشی از چین را جدا کند»

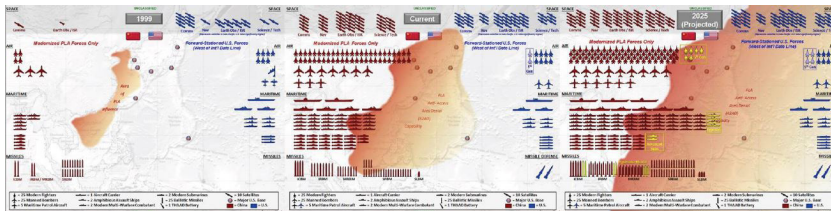
## مستعدترین نقطه اشتعال درگیری

در فضای تقابل چین با آمریکا، تایوان را باید مستعدترین «نقطه اشتعال» دانست. کافی است به این اظهار نظر «شی جین پینگ» به عنوان رهبر حزب کمونیست و رئیس جمهور چین دقت کنیم: «ما تحت هیچ شرایطی اجازه نخواهیم داد هیچ شخصی، سازمانی و یا حزب سیاسی حتی ذره‌ای از خاک سرزمین اصلی چین را از آن جدا کند». از سوی دیگر، دریابد «فیلیپ دیویدسون» (Philip Davidson) -فرمانده اسبق ستاد هند و اقیانوس ارتش آمریکا- هشدار داده است که خطر درگیری بر سر تایوان، در این دهه وجود دارد.

## پایان هفت دهه برتریت

اکنون شاهد یک دگرگونی در محیط امنیتی بین‌الملل هستیم. دهه‌ها بود که آمریکا از برتریت غالب در تمامی گستره‌های عملیاتی برخوردار بود و در فضای این برتریت، قادر بود که در هر زمانی نیروهای خود را به کار گیرد، هر جا که بخواهد آن‌ها را جمع کند و به هر شکلی که بخواهد عملیات کند. اما امروز، همه گستره‌ها رقابتی شده‌اند -هوا، زمین، دریا، فضا و فضای سایبری.

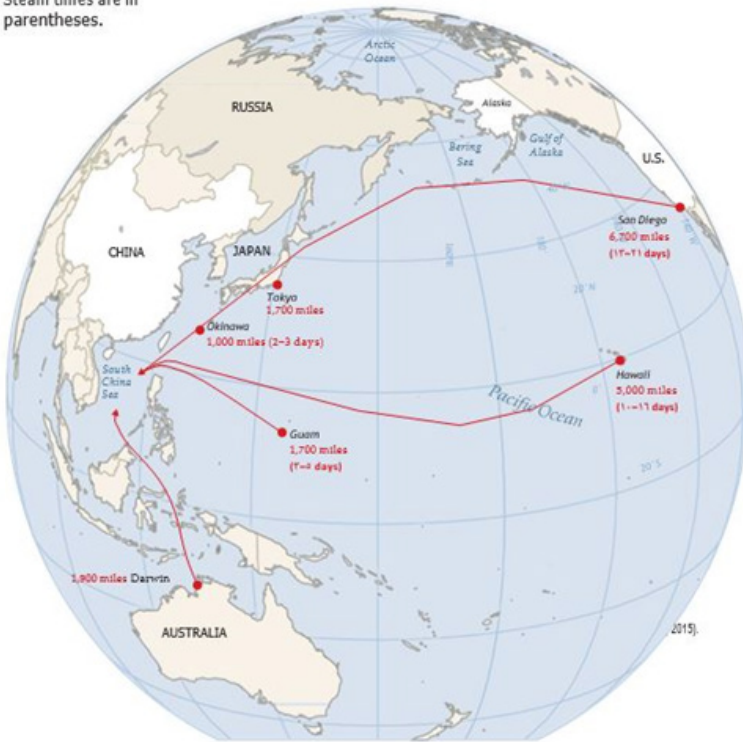
در سال ۲۰۰۰، «سلاح الکترونیکی» چین در حد بحث در جلسات ارتش این کشور مطرح می‌شد اما امروز، گستره عملیاتی این سلاح، شته جزیره اول شامل تایوان (۱۰۰ مایلی سرزمین اصلی چین) و جزایر ریوکیو ژاپن (۴۰۰ مایلی سرزمین اصلی چین) را در برمی‌گیرد و تا سال ۲۰۲۵، به محدوده آمریکا در گوام تسری می‌یابد.



در نتیجه، همان‌طور که «میشل فلورنوی» -معاون سیاست‌گذاری وزیر دفاع در دولت اوپاما- می‌گوید: «با این تفاسیر، آمریکا دیگر نمی‌تواند انتظار دستیابی سریع به برتری هوایی، فضایی یا دریایی را داشته باشد». دریابد فیلیپ دپویدسون در مارس ۲۰۲۱ به کنگره شهادت داد، در مسیر فعلی خود، در ۴ سال آینده سلاح‌های الکترونیکی چین تا زنجیره دوم جزایر که شامل تاسیسات نظامی اصلی آمریکا در قلمروی گوام است (۱۸۰۰ مایلی سرزمین اصلی) گسترش خواهد یافت.

### The Tyranny of Distance<sup>۲۰</sup>

Steam times are in parentheses.



جغای فاصله

جغرافیا مهم است. برنامه‌ریزان نظامی در مورد «جغای فاصله» صحبت می‌کنند. همان‌طور که در شکل بالا نشان داده شده است، برای حمایت از درگیری در امتداد مرزهای چین و در دریاهای مجاور آن، کشتی‌های آمریکایی





باید چندین روز و هفته در سفر باشند. این عدم تقارن تغییرناپذیر، یک محرک کلیدی در پشت استراتژی سلاح‌های الکترونیکی چین است که به‌موجب آن، چین توانایی‌هایی را در سرزمین اصلی خود ایجاد کرده و تعادل نظامی را در درگیری‌های احتمالی بر سر تابوان یا دریا‌های چین جنوبی و شرقی تغییر داده است.

یکی از اجزای حیاتی این قابلیت‌ها، زرادخانه موشک‌های میان‌برد ارتش چین است. پکن با ارتقای نیروی موشکی ارتش خود به یک خدمت مستقل در سال ۲۰۱۵، آمریکا را به این نتیجه رساند که با «فعال‌ترین و متنوع‌ترین برنامه توسعه موشک‌های بالستیک در جهان» روبروست. چین دارای بیش از یک‌هزار و ۲۵۰ فروند موشک بالستیک سطح به سطح با بردهای بین ۵۰۰ تا ۵ هزار و ۵۰۰ کیلومتر است، و در همین حال، آمریکا تنها یک نوع موشک بالستیک سطح به سطح متعارف با برد ۷۰ تا ۳۰۰ کیلومتر و بدون هیچ موشک کروز سطح به سطح است. در سال ۲۰۲۰، ارتش چین، نسبت به سایر نقاط جهان موشک‌های بالستیک بیشتری را برای آزمایش و آموزش پرتاب کرد. برجسته‌ترین در میان آن‌ها، موشک‌های دی‌اف-۲۱ و دی‌اف-۲۶ بود؛ موشک‌های بالستیک میان‌بردی که «قاتل‌های حامل» نامیده می‌شوند و به‌طور باورپذیری ارزشمندترین پلت‌فورم‌های قدرت‌نمایی آمریکا را تهدید می‌کنند.

ذخایر عظیم مهمات هدایت‌شونده متعارف نیروی موشکی ارتش چین، چیزی را تضمین می‌کند که استراتژیست‌های آمریکایی آن را «استراتژی پرتابه‌محور» نامیده‌اند. پرتابه‌ها ارزان‌تر از نمونه‌هایشان در نیروهای هوایی هستند، جمع‌آوری پرتابه‌ها در جریان تبادل گلوله امری آسان‌تر از حملات هوایی است و شکار آن‌ها سخت‌تر از پایگاه‌های هوایی ثابت است. آن‌ها در درگیری می‌توانند به دفاع عمیق آمریکا نفوذ کنند و گره‌های کلیدی در شبکه‌های جنگی این کشور را فلج نمایند. همان‌طور که «جیم دابینز» -تحلیلگر برجسته اندیشکده رند- و سایر محققان این موسسه توضیح داده‌اند، «برد و قابلیت‌های هوایی چین و پدافند دریایی‌اش به رشد خود ادامه داده و پایگاه‌های پیشروی آمریکا را آسیب‌پذیرتر می‌کند و دفاع مستقیم آمریکا از منافع‌اش در منطقه، به‌طور بالقوه پرهزینه‌تر می‌شود.

آمریکا دیگر نمی‌تواند به تسلط بر تشدید تنش هسته‌ای تکیه کند. در سال ۲۰۰۰، چین یک استراتژی «حداقل بازدارندگی» داشت که تنها بر اساس چند صد فروند کلاهک هسته‌ای و تعداد انگشت‌شماری موشک بالستیک قاره‌پیما که می‌توانستند با اطمینان به سرزمین آمریکا برسند و شهرهای آمریکا را نابود کنند، تنظیم شده بود. علاوه بر این، این موشک‌ها در مقابل اولین حمله هسته‌ای پیشگیرانه آمریکا آسیب‌پذیر بودند. امروز، طبق تخمین پنتاگون، چین هنوز زرادخانه‌ای متوسط با تعداد کلاهک‌های پایین کمتر از ۲۰۰ مورد دارد - کمتر از ۵ درصد از ۵ هزار و ۵۰۰ کلاهک آمریکایی. اما چین بر این باور است که این تعداد برای در امان ماندن از حمله اول آمریکا کفایت می‌کند و توان یک حمله متقابل که تخریب کافی برای آمریکا ایجاد کند و کار را به یک بن‌بست هسته‌ای برساند را به چین می‌دهد. باقی ماندن هر دو طرف در وضعیت تخریب متقابل حتمی، تنها در صورتی عمیق‌تر خواهد شد که چین زرادخانه هسته‌ای خود را به ۷۰۰ کلاهک عملیاتی تا سال ۲۰۲۷ - همان‌طور که پنتاگون پیش‌بینی می‌کند - برساند.

آمریکا این واقعیت را در اندازه‌گیری سیستم‌های دفاع موشکی‌اش تشخیص داده است. همان‌طور که در گزارش بازنگری دفاع موشکی بالستیک دولت اوباما در سال ۲۰۱۰ مشخص شد، روسیه و چین توانایی‌های لازم برای انجام یک حمله موشکی بالستیک در مقیاس بزرگ به خاک آمریکا را دارند. همچنین در حالی که سامانه پدافندی ضد موشک‌های بالستیک آمریکا برای دفاع از این کشور در برابر شلیک موشک‌های محدود از هر منبعی به کار می‌رود، این سیستم توانایی مقابله با حملات موشکی در مقیاس بزرگ مثل روسیه یا چین را ندارد. بنابراین امروز سیاستمداران آمریکا باید به این جمله «رونالد ریگان» بیاندیشند: «جنگ اتمی طرف پیروز ندارد و هرگز نباید وارد جنگ اتمی شد؛ بنابراین برای آمریکا، فهرست گزینه‌های نظامی قابل اجرا در قبال ابرقدرت‌های هسته‌ای (یعنی کشورهایی که دارای قابلیت وارد ساختن ضربه دوم قدرتمند هستند) نمی‌تواند شامل حمله هسته‌ای باشد.

گزارش «کمیسیون استراتژی دفاع ملی آمریکا» در سال ۲۰۲۱ به این نکته اشاره دارد که آمریکا به‌همان اندازه که قادر به پیروزی در قبال چین است،





به همان اندازه مستعد شکست است.

### تجهیزات مستقر نیروی دریایی و هوایی آمریکا و چین در آسیا

ارتش آمریکا		ارتش چین	
2025 (پیش‌بینی) → در حال حاضر		2025 (تخمینی) ← در حال حاضر	
250	250	جت‌های جنگنده	1,250 / 1,950
		بمب‌افکن‌ها	175 / 225
10	10	هواگرد گشتی	15 / 30
1	1	ناو هواپیمابر	2 / 3
4	4	کشتی تهاجمی آبی-خاکی	8 / 12
12	12	کشتی جنگی	60 / 108
10	10	زیردریایی	56 / 64

منبع: وزارت دفاع آمریکا / سال ۲۰۲۱

### شبیه‌سازهای جنگ

آزمون اصلی و نهایی نیروهای نظامی، نحوه عملکرد آن‌ها در نبرد است. شبیه‌سازهای جنگ در این میان بهترین شاخص بعدی را ارائه می‌دهند. شبیه‌سازهای جنگ مربوط به تقابل آمریکا و چین، در سناریوهای درگیری محتمل، تصویر عملیاتی دلسردکننده‌ای از توازن قدرت داخلی ارائه می‌دهد. بیشتر این شبیه‌سازهای جنگ طبقه‌بندی می‌شوند. به‌خصوص زمانی که نتایج برای طرف آبی‌رنگ (تیم ایالات متحده آمریکا) مطلوب نباشد، به‌ندرت تبلیغ می‌شوند. با این حال، یکی از ویژگی‌های سیستم آمریکایی این است که مقامات اسبق سیاسی و نظامی، گاهی اوقات پس از بازنشستی چیزهایی را به‌صراحت می‌گویند. همان‌طور که «کریستین بروس» -مدیر سابق ستاد کمیته نیروهای مسلح سنا- یک‌بار کنایه‌وار صراحتاً اعلام کرد: «در طول دهه گذشته، آمریکا در شبیه‌سازهای جنگی علیه چین، رکوردی تقریباً عالی داشته است: ما تقریباً هر بار شکست خورده‌ایم».



استراتژیست‌های آمریکایی از امتیازات به‌دست‌آمده و پیامدهای عملیاتی نتایج متخیر شده‌اند. «دیوید اوچمانک» - استراتژیست سابق وزارت دفاع آمریکا - با جمع‌بندی مجموعه‌ای از بازی‌های جنگی اخیر، به این نتیجه رسیده آمریکا در صورت جنگ با چین، «یک شکست فاجعه‌بار را تحمل خواهد کرد».

«رابرت ورک» - قائم مقام سابق وزارت دفاع آمریکا - اخیراً اعلام کرده که شبیه‌سازی‌هایی که پنتاگون در مورد جنگ تایوان انجام داده، نتیجه ۱۸ به صفر، به نفع چین تمام شده است. هیچ مقام آمریکایی به اندازه ورک این موضوع را دقیق تحلیل نکرده است. شبیه‌سازی جنگ نیروهای هوایی دو طرف که در پاییز سال ۲۰۲۰ صورت گرفت، نتیجه متفاوتی را ارائه داد: ارتش آمریکا با موفقیت تهاجم چین به تایوان را دفع کرد؛ اما موضوع این جاست که انجام این کار به سیستم‌های میدانی نیاز داشت که هنوز وجود ندارد، در حال تولید هم نیستند و حتی برای توسعه برنامه‌ریزی نشده‌اند. علاوه بر این، انجام اصلاحات ساختاری عمده و متقاعد کردن تایوان برای چند برابر کردن هزینه‌های دفاعی‌اش را هم باید به آن اضافه کرد. ورک گفته است: «در شبیه‌سازی، هر وقت رزمایشی داریم و زمانی که نیروهای سرخ‌رنگ (ارتش چین) به‌نوعی فرماندهی و کنترل ما را از بین می‌برند، تمرین را متوقف می‌کنیم و می‌گوییم: خب، بیایید دوباره شروع کنیم ... و قرمزها شما هم این قدر با ما بد تا نکنید!». در شبیه‌سازهای جنگ، نیروهای آمریکایی برای دستیابی به برتری در حوزه‌های عملیاتی کلیدی در اوایل درگیری تلاش می‌کنند. به گفته اوچمانک، «همه پنج حوزه جنگ از همان آغاز خصومت‌ها با هم رقابت می‌کنند».

ورک نیز می‌گوید: «در پنج روز اول کمپین، ظاهر خوب همه چیز به نفع مان حفظ شده است. بعد از پنج روز دوم، جو اصلاً به نفع ما نیست؛ و این همان چیزی است که شبیه‌سازهای جنگ بارها و بارها به ما نشان داده‌اند».

اوچمانک اذعان می‌کند: «ما افراد زیادی را از دست خواهیم داد. تجهیزات زیادی را از دست خواهیم داد». نیروهای مستقر پیش‌قراول آمریکا، از جمله پایگاه‌های هوایی در اوکیناوا و گوام، کشتی‌های جنگی، هواپیماهای غیر شناساگر و سایر دارایی‌های آمریکا در نزدیکی فضای نبرد، از حملات اولیه و مداوم چینی‌ها و مهمات متعارف‌شان رنج خواهند برد. در گزارش بروس این‌گونه آورده شده: «شبکه‌های فرماندهی و کنترلی که جریان انتقال اطلاعات حیاتی به نیروهای آمریکا در نبرد را مدیریت می‌کنند، توسط حملات الکترونیکی، حملات سایبری و موشک‌ها از هم گسیخته و متلاشی می‌شوند. بسیاری از نیروهای آمریکایی در نبرد ناشنوا، لال و نابینا خواهند شد».





ارتش آمریکا اخیرا تجربه رزمی گسترده‌ای داشته است، اما بسیاری از این تجارب برای مواجهه با یک رقیب همتا کافی نیستند. مثلا یکی از همین تجربه‌ها را ورک در مورد یکی از شبیه‌سازی‌های اخیر این‌گونه توضیح می‌دهد: «در آن شبیه‌سازی‌ها توازن داخلی قوا در آغاز درگیری واقعا مهم نبود. زمانی که قدرت آمریکا را جمع می‌کردیم، چینی‌ها را مانند سوسک‌ها خرد می‌کردیم». اما خود ورک هم اکنون -همان‌طور که در خطوط بالا اشاره شد- در آخرین شبیه‌سازی، به نتیجه ۱۸ بر صفر به‌نفع چین رسیده است. نتایج بروس هم چیز دیگری به ما می‌گوید: «تایوان می‌تواند در عرض چند ساعت یا چند روز از دست برود، حتی زمانی که {در شبیه‌سازی} آمریکا قصد داشت هفته‌ها و ماه‌ها را در موقعیت جنگ صرف کند».

کارت امتیاز	مناقشه تایوان				مناقشه جزایر اسپارتنلی			
	1996	2003	2010	2017	1996	2003	2010	2017
حمله چین به پایگاه‌های هوایی								
برتری هوایی آمریکا در مقابل چین								
نفوذ آمریکا در حریم هوایی								
حملات آمریکا به پایگاه‌های هوایی								
جنگ ضدسطح چین								
جنگ ضدسطح آمریکا								
توانایی ضدفضایی آمریکا								
توانایی ضدفضایی چین								
جنگ سایبری آمریکا علیه چین								

ثبات هسته‌ای ۱۰ (اعتماد به حمله امن دوم)	کشور	1996, 2003, and 2010	2017
		چین آمریکا	اعتماد کم

نکته: اهداف تهاجمی چین برای این‌که هم در تایوان و هم در جزایر اسپارتنلی غالب باشند، نیاز به کسب منفعت و مزیت در همه‌ی دسته‌ها به‌طور هم‌زمان دارند. اهداف دفاعی آمریکا نیز با کسب مزیت و منفعت تنها در چند حوزه تأمین می‌گردند. با این وجود، توان افزایش یافته می‌تواند منجر به افزایش هزینه‌ها، طولانی‌تر شدن جنگ و افزایش خطرات برای آمریکا شود

کارت امتیاز اندیشکده رند:  
نه (۹) بعد عملیاتی

مفهوم رنگ‌ها	
توانایی‌های آمریکا	توانایی‌های چین
سود / منفعت اصلی	زیان‌های اصلی
سود / منفعت	زیان
برابری تقریبی زیان	برابری تقریبی سود / منفعت
زیان اصلی	منفعت اصلی

این یافته‌ها توسط معتبرترین ارزیابی عمومی از موازنه عملیاتی با عنوان «کارت امتیازی نظامی آمریکا و چین» از سوی اندیشکده «رند» به‌دست آمده است. مشخص شد که در درگیری بر سر تایوان، چین از مزیت حمله به پایگاه هوایی آمریکا و جنگ ضد سطح (ASuW) برخوردار خواهد بود. همچنین چین در ایجاد برتری هوایی، نفوذ به حریم هوایی آمریکا و انجام عملیات ضدفضایی و دفاع در برابر آن، برابری تقریبی خواهد داشت. همان‌طور که گزارش رند نتیجه گرفته است و در شکل بالا می‌بینید، آمریکا دیگر از مزایای عمده ۹ بعد کلیدی عملیاتی برخوردار نیست و آسیا شاهد این خواهد بود که مرز تسلط آمریکا به تدریج در حال پس‌روی است.

البته انتخاب‌هایی وجود دارد که آمریکا از طریق آن‌ها می‌تواند به تغییراتی در این کارت امتیازی در سال‌های آینده دست پیدا کند. یکی از مواردی که توسط دریابد «جیمز وینفلد» -نایب رئیس سابق ستاد مشترک ارتش آمریکا- تاکید شده است، توسعه سلاح‌های مایکروویو جدید جهت ایجاد اختلال در سیستم الکترونیکی دشمن با استفاده از انرژی الکترومغناطیسی است.

## فناوری‌های آینده

چین بر کاربردهای نظامی فناوری‌های نوظهور از جمله هوش مصنوعی، محاسبات کوانتومی، موشک‌های مافوق صوت و دارایی‌های فضایی تمرکز لیزری دارد. همان‌طور که ژنرال «پاول سلوا» -معاون سابق رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا- در سال ۲۰۱۸ هشدار داد: در مسیر فعلی، آمریکا برتری تکنولوژیکی خود را در حدود سال ۲۰۲۰ از دست می‌دهد داد و چین تا دهه ۲۰۳۰ از این کشور پیشی خواهد گرفت.

دهه‌ها پس از شوک و هیبت کارزار مهمات هدایت‌شونده آمریکا در عملیات طوفان صحرا، چین آنچه را که به‌درستی «استراتژی جبران بر مبنای ویژگی‌های چینی» نامیده است، دنبال می‌کند. همان‌طور که ژنرال سلوا آن را توصیف می‌کند، پکن برای دستیابی به برابری تکنولوژیکی و در نهایت برتری، «راهبرد جبرانی مبتنی بر فناوری صبورانه، هدفمند و با منابع قوی» را اتخاذ کرده است.

استراتژیست‌های چینی معتقدند که هوش مصنوعی ممکن است در کارزار پکن برای پیشی گرفتن از آمریکا به‌عنوان قدرت برتر نظامی جهان تعیین‌کننده باشد. ژنرال «جوزف دانفورد» -رئیس سابق ستاد مشترک ارتش آمریکا- در این باره گفته است: «هرکسی که دارای مزیت رقابتی در





هوش مصنوعی باشد و بتواند سیستم‌هایی را با اطلاعات هوش مصنوعی وارد میدان کند، می‌تواند یک مزیت رقابتی کلی داشته باشد». هوش مصنوعی با بهبود دید و هدف‌گیری، کاهش مشکلات نیروی انسانی، تقویت دفاع سایبری و تسریع در تصمیم‌گیری به‌عنوان یک افزایش‌دهنده نیرو عمل می‌کند. مزایای آن در آزمایش‌های «آلفا داگ فایت» آگوست ۲۰۲۰ آژانس پروژه‌های تحقیقاتی پیشرفته دفاعی آشکار بود؛ زمانی که الگوریتم هوش مصنوعی، یک خلبان اف-۱۶ انسانی را با نتیجه ۵ بر صفر شکست داد. در دهه گذشته، وزارت دفاع آمریکا از سازمان‌های جدیدی مانند واحد نوآوری دفاعی و دفتر قابلیت‌های استراتژیک دفاع کرد و سومین راهبرد جبرانی خود را اعلام کرد؛ ابتکاری برای حفظ برتری فناوری ارتش آمریکا در برابر رقبای همتا. به‌طور مشابه، پکن با درک عمیق پتانسیل مخرب هوش مصنوعی، راهبردی را برای دستیابی به تسلط بر هوش مصنوعی تا سال ۲۰۳۰ آغاز کرد و مفهوم «هوشمندسازی» جنگ را برای عملیاتی کردن هوش مصنوعی و فناوری‌های توانمند آن، از جمله رایانش ابری و سیستم‌های بدون سرنشین، معرفی کرد.

همان‌طور که در گزارش اخیر اندیشکده بلفر درباره رقابت آمریکا و چین در زمینه فناوری توضیح داده شد، چین در برخی از بخش‌های فناوری کوانتومی پیشتاز است؛ یک دارایی تغییردهنده بازی که می‌تواند ارتباطات امن را تضمین کند، هواپیماهای شناساگریز را پیدا کرده، ناوربری زیردریایی را پیچیده ساخته و ارتباطات میدان نبرد را مختل نماید. در سال ۲۰۱۶، چین استراتژی فناوری کوانتومی را برای دستیابی به پیشرفت‌های بزرگ تا سال ۲۰۳۰ معرفی کرد و اولین ماهواره کوانتومی جهان را پرتاب کرد. در آن سال، شرکت چینی «چاینا الکترونیکس» اولین رادار کوانتومی که می‌توانست هواپیماهای شناساگریز را شناسایی کند را توسعه داد و در برابر پارازیت و «حمله جعل» مقاومت کند و به این وسیله از شرکت آمریکایی «لاکهید مارتین» که نزدیک به یک دهه این فناوری را آزمایش می‌کرد پیشی گرفت. در ژوئن ۲۰۱۶، «موسسه میکروسیستم و فناوری اطلاعات شانگهای» اعلام کرد که با استفاده از مغناطیس سنج اسکوئد (دستگاه ابررسانی تداخلی کوانتومی) مجهز به نیتروژن مایع برودتی، طولانی‌ترین کاشف زیردریایی جهان را ساخته است. «تارون چاپرا» -مدیر ارشد فناوری و امنیت ملی- شورای امنیت ملی آمریکا نوشته است: «اگرچه آمریکا در محاسبات کوانتومی برتری کلی دارد، اما اگر دست روی دست بگذارد، پکن به سرعت در حال پیشی گرفتن از این مزیت آمریکاست».

چین همچنین در تولید تسلیحات مافوق صوت، که با سرعت بیش از ۵ ماخ به سمت هدف خود می‌روند، از آمریکا پیش افتاده است. به‌گفته آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا، تسلیحات مافوق صوت «با ارائه توانایی حمله به اهداف با سرعت بیشتر، در فواصل دورتر و با قدرت شلیک بیشتر، جنگ را



تبدیل به کارزاری بسیار پرتنش می‌کنند». پکن موشک مافوق صوت دی‌اف-۱۷ خود را در چندین نوبت و همچنین سامانه بمباران مداری با قابلیت هسته‌ای مجهز به مافوق صوت را با موفقیت آزمایش کرده است. داشتن چنین پلتفرمی سال‌ها برای آمریکا زمان می‌برد.

در همین حال، شی جین پینگ «روای چینی» خود را به «روای فضایی» تعمیم داده است. پکن بیش از صد و بیست ماهواره اطلاعاتی، نظارتی و شناسایی و سنجش از راه دور را پرتاب کرده و زیر نظر دارد - و سامانه دقیقه نوبری و زمان‌بندی خود موسوم به «پیدو» (BeiDou) را به عنوان جایگزینی برای GPS گسترش می‌دهد و از حیث دید و اندازه از آن قوی‌تر است. در آوریل ۲۰۲۱، چین مازول اصلی اولین ایستگاه فضایی بلندمدت خود را به فضا پرتاب کرد و در طی ۲۰ سال به چیزی دست یافت که آمریکا در طول ۴۰ سال به آن دست پیدا کرده بود. همانطور که «کمسیون بازرینی اقتصادی و امنیتی آمریکا-چین» به این نتیجه رسید: «تمرکز راسخانه و ملی چین در مسیر تثبیت خود به عنوان یک رهبر فضایی جهانی، بسیاری از مزیت‌ها که آمریکا برای به دست آوردن آن‌ها مدت‌ها وقت و تلاش صرف کرده را تهدید می‌کند».

دستیابی پکن به فناوری‌های پیشرفته، با مفاهیم کلیدی سازمان‌دهنده هدایت شده است؛ از جمله آن‌چه که «تلفیق نظامی-غیرنظامی» و «توسعه جهشی» نامیده می‌شود. بخش‌های دفاعی و غیرنظامی، منجر به انسجام بین محققان در حمایت از اهداف نظامی شده و نوآوری را پیش می‌برند. به‌طور همزمان، ارتش چین به دنبال دستیابی به مزایایی در فناوری‌هایی است که در «خط مقدم استراتژی» قرار دارند؛ فناوری‌هایی که آمریکا بر آن‌ها مسلط نبوده یا قادر به تسلط بر آن‌ها نیست.

چین همچنین ممکن است در همسوسازی فناوری‌های پیشرفته با مفاهیم جنگی که از آن‌ها بهره‌برداری می‌کند، از آمریکا جلوتر باشد. مفهوم «جنگ تخریب سیستم» در نگاه چین، جنگ آینده را به چشم عرصه رقابت سیستم‌های عملیاتی می‌بیند. برنامه‌ریزان ارتش چین، دستیابی به برتری اطلاعات از مجرای فلج کردن شبکه‌های نبرد حریف را در همان ابتدای درگیری با استفاده از مجموعه‌ای از قابلیت‌ها از جمله سلاح‌های ضد ماهواره و پالس الکترومغناطیسی در اولویت قرار می‌دهند. در سال ۲۰۱۵، چین با ایجاد نیروی پشتیبانی استراتژیک خود، که به‌طور مرکزی، قابلیت‌های فضایی، سایبری و جنگ الکترونیک PLA را هماهنگ می‌کند، گامی مهم در جهت آماده‌سازی برای جنگ تخریب سیستم برداشت. نوآوری‌های دکترینال چین قدرت این را دارند تا دست برتری در درگیری احتمالی با آمریکا را به این کشور ببخشند، همان‌طور که رابرت ورک هشدار داد: «طرفی که تناسب بهتری بین فناوری و مفاهیم عملیاتی پیدا کند، احتمالاً جلوتر





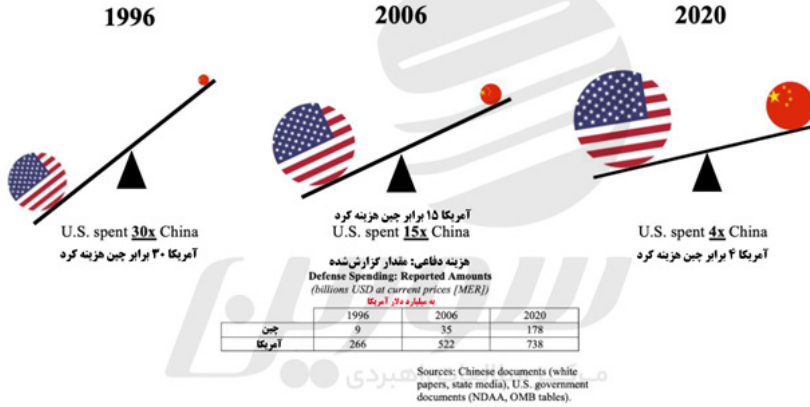
خواهد افتاد».

در حالی که ارتش چین بر نبردهای آینده تمرکز کرده است، ارتش آمریکا برای عملیات‌های کم‌شدت (که شامل استقرار و استفاده از سربازان در موقعیت‌های غیر از جنگ است و معمولاً در برابر بازیگران غیردولتی انجام می‌شود) بهینه‌سازی شده است. برای مدت ۲۰ سال، پنتاگون اولویت خود را به برنامه‌های ضد شورش و ضد تروریسم اختصاص داد و به‌قول دریابد وینفلد «سرش را مثل کبک در برف فرو کرد». در همین حال، همانطور که ژنرال میلی گفته، چین به‌خوبی روش مقابله با استراتژی‌ها و توانایی‌های ارتش آمریکا را فراگرفته است. ارتش چین در جنگ اول خلیج فارس آمریکا را از نزدیک زیر نظر داشت. در جنگ دوم خلیج فارس، توانایی‌های ما را زیر نظر داشت و از بسیاری جهات از آن تقلید کرده است و از بسیاری از دکتین‌ها و سازمان‌ها و غیره شبیه‌سازی کرده است. «جک رید» - رئیس کمیته نیروهای مسلح سنا - خاطرنشان کرده است: در چند دهه گذشته، چین شیوه جنگ آمریکا را مطالعه کرده و تلاش‌های خود را بر دستیابی به مزیت‌های آمریکا استوار کرده است. این استراتژی موفقیت‌آمیز بوده است، عمدتاً به این دلیل که چین بدون داشتن هرگونه سامانه موروثی مهم، شروع به این کار کرد. در نتیجه، همان‌طور که «اندرو کریپنیویچ جونپور» - تحلیلگر دفاعی - هشدار داد، آمریکا امروز در معرض خطر استفاده از روش نظامی اشتباه، انواع اشتباه عملیات، با تجهیزات نامناسب» قرار دارد.

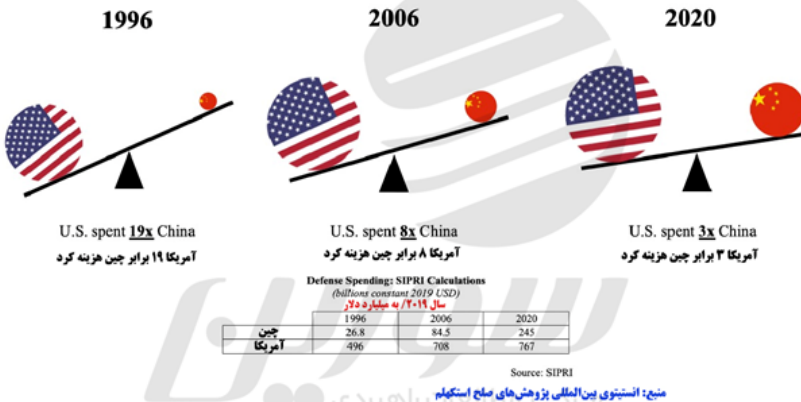
## افزایش هزینه دفاعی از سوی پکن

کارشناسان بدبینی که به‌سختی می‌توانند ادعاهای مربوط به تغییر چشمگیر توازن نظامی را باور کنند، اغلب می‌پرسند: «آیا با در نظر گرفتن هزینه‌های دفاعی آمریکا در مقابل چین، می‌شود چنین چیزی را قبول کرد؟». پاسخ این است که شاید اکنون چندان ملموس نباشد، اما واقعیت قضیه پیچیده‌تر از این است. به گفته ژنرال «مارک میلی» - رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا - وقتی همه کارت‌ها روی میز گذاشته می‌شود، آمریکا دیگر نمی‌تواند چین را یک کوتوله در هزینه‌های دفاعی ببیند. طبق گزارش‌های دولت آمریکا، در سال ۱۹۹۶ بودجه دفاعی چین یک‌سی‌ام بودجه دفاعی آمریکا بود. در سال ۲۰۲۰، طبق معیارهای سازمان سیا و صندوق بین‌المللی پول، به یک‌چهارم آمریکا رسید و در ریل حرکت به سمت برابری قرار گرفته است. با تنظیم هزینه‌های تحقیق و توسعه نظامی و سایر موارد گزارش‌نشده، می‌شود گفت که چین به یک‌سوم هزینه‌های آمریکا رسیده است و در حالی که بودجه دفاعی آمریکا هزینه تولید سلاح و تامین نیرو و حفظ حضور جهانی منحصر به فردش که شامل تعهدات تقریباً در هر قاره است می‌شود، بودجه دفاعی

چین بر آماده‌سازی جهت رویارویی با حوادث احتمالی در شمال شرق آسیا متمرکز است.

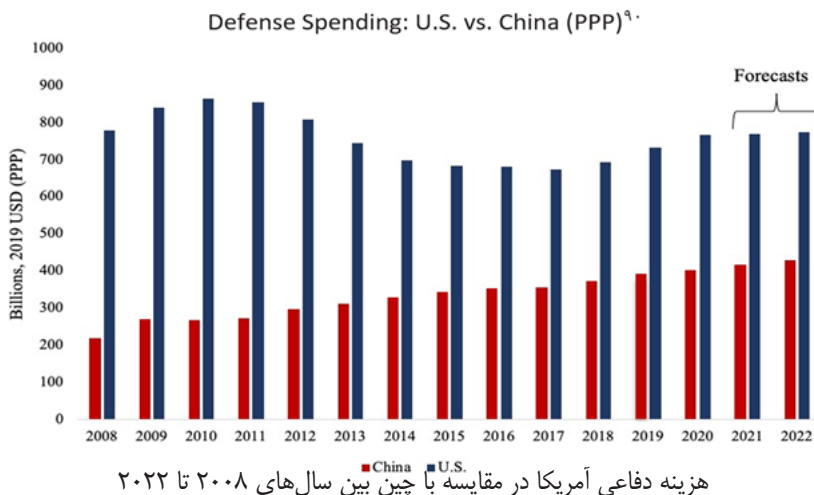


در همین حال، سخنان ژنرال میلی بسیار حائز اهمیت است: «چین به‌خوبی روش مقابله قدرتمندانه با آمریکا را یاد گرفته است. چینی‌ها از یک ارتش پیاده‌نظام رعبی در سال ۱۹۷۹، به ارتشی بسیار توانا که تمام دامنه‌ها را پوشش می‌دهد و جاه‌طلبی‌های جهانی در سر دارد، تبدیل شده‌اند.» «انستیتیوی بین‌المللی پژوهش‌های صلح استکهلم» (SIPRI) آمار دیگری ارائه می‌دهد که در آن هزینه‌کرد دفاعی آمریکا در سال ۱۹۹۶ را ۱۹ برابر هزینه‌کرد چین، ۸ برابر در سال ۲۰۰۶ و ۳ برابر در سال ۲۰۲۰ می‌داند.





در سال ۲۰۲۰، بودجه دفاعی آمریکا ۷۳۸ میلیارد دلار بود؛ در حالی که بودجه گزارش شده چین ۱۷۸ میلیارد دلار با نرخ ارز رایج بازار را به ما نشان می‌داد. در مقایسه بودجه‌های دفاعی، نه تنها در نظر گرفتن این که هر کدام برای اقلام چقدر پول می‌پردازند، بلکه باید در نظر داشت که هر کدام با قیمت‌هایی که می‌پردازند، چه چیزی دریافت می‌کنند. هم سازمان سیا و هم صندوق بین‌المللی پول به این نتیجه رسیده‌اند که بهترین معیار برای مقایسه هزینه‌های ملی، برابری قدرت خرید (PPP) است. همان‌طور که اکونومیست در «شاخص بیگ مک» خود آشکارا نشان داده است، برای ۵۶۵ دلاری که مصرف کننده برای یک بیگ مک در آمریکا می‌پردازد، یک و نیم بیگ مک در پکن دریافت می‌کند. به‌طور مشابه، زمانی که ارتش چین پایگاه‌ها یا کشتی‌ها یا موشک‌های دی‌اف-۲۱ را خریداری می‌کند، هزینه آن‌ها را به یوآن و با قیمت‌هایی بسیار کمتر از قیمت محصولات مشابه در آمریکا می‌پردازد. آژاردهنده‌ترین مسئله در بحث مقایسه هزینه‌های دفاعی، مسئله هزینه‌های پرسنل است. به دلیل پیچیدگی، تفاوت‌ها اغلب به حاشیه رانده می‌شود. اما همان‌طور که ژنرال مارک میلی در جلسه شهادت خود در کنگره در سال ۲۰۱۸ اشاره کرد: «آنچه اغلب در نظر گرفته نمی‌شود، هزینه نیروی کار است و هر کسی که اصل «ایکان (Econ) ۱۰۱» را می‌پذیرد، می‌داند هزینه نیروی کار بزرگ‌ترین عامل تولید است. ما بهترین ارتش جهان در زمینه هزینه‌کرد برای پرسنل‌مان هستیم اما سربازان چینی هزینه کمی برای ارتش این کشور دارند». این جمله میلی درست است. به‌طور میانگین، یک سرباز وظیفه فعال ارتش چین، یک‌چهارم هزینه‌ای را دارد که یک سرباز آمریکایی دارد. وزارت دفاع آمریکا در حال حاضر به‌طور متوسط سالانه بیش از ۱۰۰ هزار دلار برای هر عضو خدمت فعال هزینه می‌کند که شامل حقوق، مزایا و کمک به برنامه‌های بازنشستگی می‌شود.



در مجموع، با سنجش برابری قدرت خرید، در سال ۲۰۲۰ هزینه‌های دفاعی چین تقریباً ۵۳ درصد از هزینه‌های آمریکا بود و در مسیر برابری در آینده قابل پیش‌بینی قرار دارد.

سه تفاوت دیگر قابل توجه است. اول، بودجه دفاعی آمریکا برای پایگاه‌ها و نیروها جهت انجام تعهدات جهانی در اروپا، خاورمیانه، آمریکای جنوبی و آسیا. آمریکا در حال حاضر ۷۵۰ پایگاه برون‌مرزی در سراسر جهان دارد. بنابراین وقتی «منطقه مسئولیت» فرماندهی هند و اقیانوسیه آمریکا شامل نیمی از جمعیت جهان و دو اقتصاد از سه اقتصاد بزرگ این وسعت جغرافیایی است، فرمانده آن باید برای تامین مالی با دیگر فرماندهان مسئول به تعهدات دیگر آمریکا رقابت کند. بودجه دفاعی چین نیز بر شمال شرق آسیا متمرکز شده است.

دوم، بخش عمده‌ای از بودجه خریدهای آمریکا توسط سیستم‌های قدیمی و گران‌قیمتی مصرف می‌شود که برای هر یک از خدمات نظامی مناسب هستند، اما برای درگیری احتمالی با چین به‌خوبی طراحی نشده‌اند. افزایش هزینه‌های این سیستم‌ها توسط یکی از خردمندترین رهبران دنیای دفاعی آمریکا یعنی «نورمن آگوستین» در اوایل دهه ۱۹۸۰ - زمانی که او چیزی به نام «قانون آگوستین» را ابداع کرد - صورت گرفت. بر اساس این قانون، هزینه سلاح‌های آمریکایی هر پنج سال دو برابر می‌شود. به‌منظور ایجاد انگیزه بیشتر، او به تمسخر می‌گفت: «در مسیر زمان، تا سال ۲۰۵۴، کل بودجه دفاعی آمریکا فقط توان خرید یک هواپیما را دارد. این هواپیما باید سه روز و نیم در هفته توسط نیروی هوایی و نیروی دریایی به‌اشتراک گذاشته شود؛ به استثنای سال کیبسه، زمانی که برای یک روز اضافی در اختیار تفنگداران دریایی قرار بگیرد».

در نتیجه، همان‌طور که کریستین بروس استدلال کرده است، در رقابت با چین، سهم آمریکا «بازی بازنده» است. در حالی که آمریکا تعداد کمی از پلتفرم‌های بزرگ، گران‌قیمت، نفیس و به‌سختی قابل تعویض را ساخته است، چین به‌طور تصاعدی به‌سراغ تولید تعداد زیادی سلاح چند میلیون دلاری به‌منظور کشف و حمله به بخشی از سکوها نظامی گران‌قیمت آمریکا رفته است. «جیک سالیوان» - مشاور امنیت ملی آمریکا - می‌گوید: «به ازای هر ۱۰ هزار دلاری که ما برای یک ناو هواپیما بر خرج می‌کنیم، چینی‌ها یک دلار برای موشکی خرج می‌کنند که بتواند آن ناو هواپیما را نابود کند». سوم، در دو دهه گذشته، بخش عمده‌ای از هزینه‌های آمریکا صرف جنگ در خاورمیانه شده است. همان‌طور که ژنرال ژوزف دانفورد در سال ۲۰۱۹ به‌کنگره گفت: «هفده سال جنگ مداوم و بی‌ثباتی مالی، بر آمادگی ما تاثیر گذاشته و مزیت رقابتی ما را از بین برده است».

اکنون هزینه جنگ علیه تروریسم از ۶,۴ تریلیون دلار فراتر رفته است که شامل ۲ تریلیون دلار در







افغانستان می‌شود. در اوج حضور نیروهای آمریکا در افغانستان و عراق در سال ۲۰۱۰، هزینه‌های دفاعی تقریباً به ۸۲۰ میلیارد دلار و ۴,۷ درصد از تولید ناخالص داخلی رسید. پس از تصویب قانون کنترل بودجه در سال ۲۰۱۱، کساکش‌های حزبی منجر به تأخیر در تعیین بودجه و تعطیلی دولت در سال ۲۰۱۳ و به دنبال آن کاهش هزینه‌های دفاعی برای مدت دو سال در آمریکا شد. اگرچه هزینه‌ها از سال ۲۰۱۶ اندکی افزایش یافته است، اما تا سال ۲۰۲۰ مخارج دفاعی کمترین درصد تولید ناخالص داخلی و مخارج اختیاری فدرال از سال ۱۹۶۲ را از آن خود کرد.

در مجموع، برخاسته از آن‌چه ژنرال جیمز متیس آن را دوره «آتروفی (اضمحلال) استراتژیک» می‌نامد، استراتژیست‌های آمریکایی به‌طور فزاینده‌ای اضمحلال تسلط نظامی آمریکا را تشخیص داده‌اند و اکنون در تلاش هستند تا بفهمند این برای امنیت ملی و دفاع ما چه معنایی دارد. همه آن‌ها بر سر این موضوع توافق دارند که برای بازگرداندن توان پرداخت بدهی استراتژیک در یک چشم‌انداز امنیتی رو به وخامت، آمریکا باید راه‌های ابتکاری بیشتری برای سازگاری با شرایط پیدا کند.

## دیگر کارشناسان چه می‌گویند؟

«مایکل بکلی» -استاد روابط بین‌الملل دانشگاه تافت و مفسر ارشد اندیشکده بلفر آمریکا- معتقد است که جامعه بین‌المللی ناگزیر از پذیرش این واقعیت است که به‌همان اندازه که چین در این سال‌ها خیزش کرده، به‌همان اندازه شاهد افول آمریکا بوده‌ایم. در این میان، مشکل آمریکا این بوده که استفاده به‌هنگامی از منابع گسترده‌اش در قبال چین نداشته و این منابع را خرج اهداف غیرمهم کرده است.



مایکل بکلی

یکی از پراهمیت‌ترین اظهارنظرهای کارشناسی در این زمینه مربوط به دریابد فیلیپ دیویدسون می‌باشد که در مارس ۲۰۲۱ هشدار می‌دهد که ارتش چین تا سال ۲۰۲۷ بر ارتش آمریکا برتری خواهد یافت و پکن وضعیت موجود در آسیای شرقی را به کلی به نفع خود تغییر خواهد داد.



دریابد فیلیپ دیویدسون

حقیقت این است که هنوز هم آمریکا در مقایسه با چین از حیث نظامی به‌طور قابل توجهی یک سر و گردن بالاتر است اما مشکل کارش این‌جاست که تنها در زمان‌هایی اقدام به نوسازی ارتش‌اش کرده که احساس کرده دشمنان و رقبا در حال به‌چالش کشاندن و آشننگتن هستند. این در حالی است که چین طی این سال‌ها پیوسته در حالت‌های عادی هم با رویکرد نوسازی نظامی خود پیش رفته است.

برخی از کارشناسان معتقدند که چین به دلیل مخاصمه با ۱۰ کشور حوزه دریای چین جنوبی، مجبور است که بودجه نظامی قابل توجهی را صرف تسلط بر این منطقه کند و به همین علت، این امر می‌تواند یک ضعف نظامی برایش ایجاد نماید. همچنین، در جنگ احتمالی بین چین و آمریکا بر سر تایوان، از آن‌جا که چین مجبور است که برای مقابله، دست به تصرف تایوان بزند و آمریکا صرفاً نیاز به دور کردن چین از تایوان دارد، کار برای آمریکا به مراتب راحت‌تر است. دسته‌ای





دیگر از کارشناسان در نقطه مقابل معتقدند که در پاسخ به مورد اول باید گفت اساساً احساس نیاز است که منجر به حرکت و پویا و تقویت یک سیستم و حکومت می‌شود؛ بنابراین ضرورت دفاع از خود در حریم دریای چین جنوبی، به پکن این انگیزه را بخشیده که با سرعتی باورنکردنی به سمت پیشرفت نظامی حرکت کند. همچنین به نظر آن‌ها، در پاسخ به مورد دوم نیز این گزاره معقولانه موجود است که بسیاری از تحلیلگران مزیت جنگ در منطقه شناخته شده خودی را برای چین در نظر می‌گیرند و اتفاقاً این تسلط و شناخت کامل چین بر منطقه است که عملاً کار را برای آمریکایی‌ها دشوار می‌کند؛ وانگهی پکن چندان نیازی نمی‌بیند که در فضای جنگ به سمت تصرف حرکت کند؛ بلکه با توسل بر عمق نگاه ژئواستراتژیک و با اتکا بر رویکردی مشابه با رویکرد آمریکا، قادر به زمین‌گیر کردن نیروهای آمریکایی در آن منطقه خواهد بود. به نظر می‌رسد که نگرانی ژنرال‌های کارکنته آمریکایی مثل فیلیپ دیویدسون و مارک میلی در مورد شکست احتمالی آمریکا، چندان دور از انتظار نیست.

هم‌اکنون تمرکز چین بر مدرن‌سازی ارتش خود تا سال ۲۰۲۷ است. یکی از فرماندهان ارشد ارتش آمریکا، چین را «تهدید رو به رشد دهه آینده» خوانده است و واشنگتن نیز تمرکز خود را بر حمایت از تایوان که زیر فشار سیاسی و نظامی روزافزون پکن قرار دارد، گذاشته است. در همین حال، تحلیلگران هشدار داده‌اند که دریای چین جنوبی می‌تواند نقطه اوج برای وقوع یک درگیری نظامی بین این دو باشد.

## مقایسه نظامی آمریکا و چین

در این جا به بررسی این که کدامیک از بین ارتش‌های آمریکا و چین در زمینه‌هایی مانند نیروی انسانی، مخارج نظامی و قابلیت‌های زمینی، دریایی و هوایی قوی‌تر هستند، می‌پردازیم:

### ۱. هزینه‌های نظامی: آمریکا برتر است

طبق اطلاعات منتشر شده توسط دولت آمریکا، هزینه‌های نظامی آمریکا برای سال ۲۰۲۲، دارای بودجه ۷۶۸ میلیارد دلار است. چین نیز با ۲۵۲ میلیارد دلار در رده دوم در دنیا قرار دارد. با این حال، تحلیلگران آمریکایی هشدار داده‌اند که واشنگتن باید رقابت با پکن در هزینه‌های نظامی را ادامه دهد؛ آن‌هم به‌ویژه پس از آن که چین در سال ۲۰۲۱ خبر از افزایش ۶٫۸ درصد بودجه دفاعی خود داد.

## ۲. نیروی انسانی: چین برتر است

تازه‌ترین گزارش دفاعی آمریکا در سال ۲۰۲۱ خبر از این می‌دهد که چین اکنون بزرگترین پرسنل نظامی در جهان را داراست و بیش از ۲ میلیون پرسنل فعال دارد. در درخواست بودجه پنتاگون برای سال مالی ۲۰۲۲ آمده است که آمریکا اکنون حدود یک میلیون و ۳۵۰ هزار پرسنل نظامی فعال و ۸۰۰ هزار نیروی ذخیره دارد.



با این حال، تکنولوژی و تجهیزات مهم‌تر از وزن اعداد در جنگ‌های مدرن هستند و این باعث می‌شود که هر دو کشور چندان تأکیدی بر نیروی انسانی نداشته باشند. شی جین‌پینگ، در سال ۲۰۱۵ متعهد شد تا ۳۰۰ هزار سرباز را از ارتش کم کند، و طرح بودجه جو بایدن برای سال مالی ۲۰۲۲ هم خبر از کاهش حدود ۵ هزار و ۴۰۰ نفر در ارتش است.

## ۳. نیروی زمینی: آمریکا برتر است

طبق گزارش سال ۲۰۲۰ پنتاگون در مورد قدر نظامی چین، ارتش چین بزرگترین نیروی زمینی پایدار جهان با ۹۱۵ هزار نیروی فعال را داراست که تقریباً دو برابر ارتش ۴۸۶ هزار نفری آمریکاست. اما طبق همین گزارش، مسئله این‌جاست که نیروهای زمینی ارتش چین یا از تجهیزات منسوخ استفاده می‌کنند یا نمی‌توانند به‌طور موثر سلاح‌های مدرن را بدون تجهیزات یا آموزش بهتر به‌کار بگیرند. چین در حال تولید سلاح‌های سبک‌تر و قوی‌تر برای نیروهای زمینی خودش است



و بسیاری از بار عملیاتی را از کار فیزیکی به فناوری دیجیتال انتقال داده است. اما کارشناسان نظامی می‌گویند که چینی‌ها در بحث آموزش استمرار ندارند. آمریکا با ۶ هزار و ۳۳۳ عراده تانک، دارای دومین تجهیزات زرهی جهان پس از روسیه است؛ در حالی که چین با ۵۸۰۰ عراده تانک، در جایگاه سوم قرار دارد.

### نیروی هوایی: آمریکا برتر است

طبق «گزارش سال ۲۰۲۱ نیروهای هوایی دنیا» در وبگاه «فلایت گلوبال»، آمریکا دست بالای خود را با داشتن بیش از ۱۳ هزار فروند هواپیمای نظامی که ۵ هزار و ۱۶۳ مورد آن‌ها در اختیار نیروی هوایی این کشور است، حفظ کرده است. تجهیزات هوایی آمریکا شامل «لاکهید مارتین اف-۳۵ لایتینگ ۲» و «لاکهید مارتین اف-۲۲ رپتور» می‌باشد که از جمله پیشرفته‌ترین جنگنده‌ها در جهان هستند.



اف-۳۵ لایتینگ ۲

طبق همان گزارش پنتاگون در مورد قدرت نظامی چین، در همین حال، نیروی هوانورد چین -متشکل از نیروی هوایی و نیروی دریایی ارتش آزادی‌بخش خلق- با بیش از ۲ هزار و ۵۰۰ فروند هواپیما که حدود ۲ هزار مورد آن هواپیمای جنگی هستند، دارای رتبه سوم در جهان است.





اف-۲۲ لایتینگ رپتور

پیشرفته‌ترین جنگنده شناساگریز چین، «چنگدو جی-۲۰» است که به‌طور مستقل توسعه یافته است؛ و نام دیگر آن «ازدهای قدرتمند» است. در حالی که این جنگنده به‌منظور رقابت با اف-۲۲ طراحی شده، اما چون از موتورهای StopGap استفاده می‌کند، سرعت و توانایی‌هایش محدود می‌شود. اما کار چینی‌ها بر روی یک موتور توربوفن جدید، خبر از افزایش تولید انبوه هواپیماها و جنگنده‌ها را می‌دهد.



چنگدو جی-۲۰





دو کشور مشغول کار بر روی بمبافکن‌های جدید خود نیز هستند. چین در حال توسعه بمبافکن استراتژیک «شیان اچ-۲۰» است. در همین حال، نیروی هوایی آمریکا تصاویر جدید و جزئیات مربوط به نسل بعدی بمب افکن «نورثروپ گرومن بی-۲۱» را در جولای ۲۰۲۱ منتشر کرد.



شیان اچ ۲۰



«بی-۲۱ رایدر» (در سمت راست) و «بی-۲ اسپریت» (سمت چپ)

## نیروی دریایی: آمریکا برتر است

طبق گزارش کنگره آمریکا، چین در حال حاضر دارای بزرگترین نیروی دریایی جهان است که حدود ۳۶۰ فروند کشتی در مقایسه با ۲۹۷ فروند کشتی ناوگان دریایی آمریکا را شامل می‌شود. اما وقتی بحث کشتی‌های کوچک‌تر مانند کشتی‌های گشت‌زنی ساحلی به میان می‌آید، مزیت





عددی به‌ضرر چین پایین می‌آید. اما هنگامی که بحث کشتی‌های جنگی بزرگ‌تر به میان می‌آید، آمریکا است که دارای مزیت، تکنولوژی و تجربه بیشتر است. به‌عنوان نمونه، آمریکا دارای ۱۱ فرودند ناو هواپیمابر هسته‌ای است که می‌توانند فاصله‌های بیشتری را نسبت به مدل‌های عادی درنوردند و قادر به حمل ۶۰ فرودند هواپیما یا کمی بیشتر هستند.



ناو هواپیمابر یواس اس نیمیتز

در مقایسه، چین فقط دو ناو هواپیمابر «لیائونینگ» و «شاندونگ» را دارد. هر دو بر اساس ناو کلاس «کوزنتسوف» شوروی سابق دهه (۱۹۸۰) ساخته شده و توسط بویلرهای (دیگ بخار) نفتی متعارف تغذیه می‌شوند و بین ۲۴ تا ۳۶ فرودند جنگنده جی-۱۵ را حمل می‌کنند.



ناو هواپیمابر لیائونینگ



با این حال، چین دارای یک برنامه بلندپروازانه برای برابری با قدرت نیروی دریایی آمریکا در منطقه اقیانوس آرام است با به آب انداختن دوازده فروند کشتی جنگی بزرگ است: از ناوچه‌های سبک گرفته تا ناوشکن‌ها و کشتی‌های جنگی آبی-خاکی. در این راستا، این کشور یک نوع ناو هواپیمابر مجهز به پیشرفته‌ترین منجنیق (سیستم پرتاب) الکترومغناطیسی را در سال ۲۰۲۱ راه‌اندازی و روانه آب‌ها کرد.



### کلاهک‌های هسته‌ای: آمریکا برتر است

بنا بر ادعای وبسایت آمریکایی «بررسی جمعیت جهان»، آمریکا دارای بزرگترین زرادخانه هسته‌ای در جهان پس از روسیه است. به‌دنبال آن فرانسه در رتبه سوم و چین در رده چهارم قرار دارند. چین هنوز مشخص نکرده که دقیقاً چه تعداد کلاهک هسته‌ای دارد، اما آخرین گزارش وزارت دفاع آمریکا در مورد ارتش چین، خبر از این می‌دهد که انبار کلاهک هسته‌ای چین در حال حاضر دارای دست‌کم ۲۰۰ عدد است؛ در حالی که «موسسه تحقیقات صلح بین‌المللی استکهلم» این تعداد را ۳۰۰ عدد در سال ۲۰۲۱ می‌داند. یک منبع نزدیک به ارتش چین در ژانویه ۲۰۲۱ به نشریه «ساوت چاینا مورنینگ پست» گفته بود که ذخایر کلاهک‌های هسته‌ای چین در طول سال‌های اخیر به یکهزار عدد افزایش یافته است، اما کمتر از ۱۰۰ مورد آن‌ها فعال هستند.





همه این برآوردها در مقایسه با کل موجودی آمریکا که ۵ هزار و ۸۰۰ کلاهک هسته‌ای است، کم‌رنگ است که از این تعداد، ۳ هزار عدد آن فعال است و حدود یک‌هزار و ۴۰۰ کلاهک هم در حال حاضر در سیستم‌های ارسال هشدار. «پیمان استارت نو» که قرار است بین آمریکا و روسیه تا سال ۲۰۲۶ تمدید شود، می‌تواند در حکم ایجاد یک فرصت چین برای چین جهت کاهش شکاف هسته‌ای عمل کند. طبق این پیمان، آمریکا و روسیه اجازه دارند حداکثر ۱۵۵۰ کلاهک را مستقر کنند؛ حدود ۳۰ درصد کمتر از محدودیت اعمال شده در سال ۲۰۰۲.



اوباما و مدودف پس از امضای استارت نو

## موشکی: چین برتر است

در حالی که آمریکا دارای کلاهک‌های هسته‌ای بسیار بیشتری است، چین در یک زمینه دارای انحصار مجازی است: موشک‌های بالستیک سطح به سطح که می‌توانند حملات هسته‌ای و متعارف را انجام دهند.

آمریکا بر اساس «پیمان نیروهای هسته‌ای میان‌برد» در سال ۱۹۸۷ که با اتحاد جماهیر شوروی به امضا رساند و در آگوست ۲۰۱۹ از آن کناره گرفت، از استقرار موشک‌های بالستیک و کروز میان‌برد سطح به سطح منع شد.

دو هفته پس از خروج از این پیمان، آمریکا یک نوع سطح به سطح از موشک‌های کروز را از دریا پرتاب کرد و چهار ماه بعد اولین موشک بالستیک میان‌برد (IRBM) مربوط به دهه ۱۹۸۰ خود را پرتاب کرد. با این حال، چین در حال حاضر همچنان دست برتر را نسبت به این کلاس از موشک‌ها دارد.

بنابر ادعای «مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی» آمریکا، تنها موشک بالستیک میان‌برد چین «دونگ‌فنگ-۲۶» است که به آن لقب «قاتل گوآم» داده‌اند؛ زیرا اعتقاد بر این است که قادر به انجام حملات متعارف علیه پایگاه کلیدی نیروی هوایی آمریکا در این جزیره است.

به گفته موسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک، تعداد پرتابگرهای موشک‌های بالستیک میان‌برد در زرادخانه چین، از عدد صفر در سال ۲۰۱۵ به ۷۲ در سال ۲۰۲۰ افزایش یافته است.



موشک‌های دونگ‌فنگ-۲۶ چین که دارای برد تا گوآم هستند





## برآیند

آن‌طور که از یافته‌ها و داده‌ها برمی‌آید، غالب اندیشکده‌ها، صاحب‌نظران و کارشناسان و جامعه نخبگان حکومتی آمریکا به حقیقت پیشرفت چشمگیر فزاینده چین پی برده‌اند. نتایج بررسی‌های علمی و تجربی همچون شبیه‌سازی‌های رایانه‌ای نیز مهر تاییدی است بر این وضعیت.

انتخاب‌هایی که دولت و کنگره آمریکا در سال ۲۰۲۲ و سال‌های نزدیک پیش رو خواهند داشت، می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی بر مسیر فعلی تاثیر بگذارد و تصمیماتی که احتمالاً بیشترین تاثیر مثبت را برای آمریکا خواهند داشت، سخت‌ترین نوع تصمیم‌گیری و اجرا هستند. به‌عنوان مثال، همان‌طور که دریابد وینفلد، «مایکل مورل» -سرپرست سابق سیا- و «گراهام آلیسون» -دانشمند سیاسی و استاد دانشگاه هاروارد- در مقاله مشترک خود با عنوان «چرا استراتژی آمریکایی شکست می‌خورد» توضیح داده‌اند، پلتفرم‌های موروثی آمریکا که توسط کمیته‌های فرعی کنگره و لابی‌گران صنعتی استفاده می‌شود، در صورتی که چین چالش نظامی تعیین‌کننده در دهه‌های آینده باشد، غالباً آن چیزی نیستند که پاسخگوی نیاز آمریکا باشند. وینفلد معتقد است «ارتش آمریکا اکنون بر یک چرخ لنگر بی‌فضیلت اتکا کرده است که تحت تاثیر انگیزه‌های قدرتمند کنگره، متر و معیارهای هویتی بخش خدمات نظامی (مثل اهمیت تعداد کشتی‌ها)، و فقدان ابتکار در ستادهای جنگ قرار دارد». در نتیجه، ارتش آمریکا صرفاً بیشتر تلاش می‌کند تا روش همیشگی را پیش بگیرد و منابع بیشتری را برای تعقیب مفهوم رو به زوال «نمایش تعیین‌کننده قدرت در مواجهه رو در رو» در دست داشته باشد.

در حالی که گروه‌هایی چون «کارگروه چین» در دانشگاه هاروارد بر روی انتخاب‌های استراتژیک که اکنون آمریکا با آن مواجه است کار می‌کنند، اما گراهام آلیسون و همفکرانش معتقدند که آمریکا راهی جز پذیرفتن حقیقت نظامی چین ندارد.

واژه‌های کلیدی: رقابت نظامی آمریکا و چین، بودجه دفاعی، فناوری نظامی، فناوری موشکی





با آن که بودجه دفاعی آمریکا در مقایسه با سایر کشورها فاصله چشمگیری دارد و هم اکنون در سال ۲۰۲۲ رقم ۷۶۸ میلیارد دلار است، اما با خیزش و جهش چشمگیر چین که بودجه دفاعی خود را تا یک چهارم بودجه دفاعی آمریکا رسانده و در حال نزدیک شدن به سمت یک سوم است، نگرانی واشنگتن به طور چشمگیر افزایش یافته است. در این میان، بسیاری از ناظران و تحلیلگران معتقدند که حتی با وجود این تفاوت، در صورت وقوع جنگ بین دو کشور - به ویژه در موضوع تایوان - احتمال شکست آمریکا زیاد است. مرکز مطالعات سورین، در مطلب حاضر به بررسی جزئیات رقابت نظامی بین آمریکا و چین می پردازد.